



پاکسازی عنکبوتی

یکی از مخوف ترین قاتلان زنجیره ای که نامش تا مدت ها لرزه بر تن مردم به خصوص زنان و دختران جوان می انداخت، سعید حنایی بود. کارگری مشهودی که تا پیش از ارتکاب قتل با همسر و فرزندانش زندگی می کرد و فردی به ظاهر آرام بود، اما به اعتراف خودش، وقتی متوجه شد زنان تن فروش خیابانی با فساد و فحشا، جامعه را نابود می کنند، تصمیم به قتل آنان گرفت. هرچند ۱۱ فقره قتل در پرونده او ثبت شده است، اما جنایت های او که شامل ۱۶ فقره می شد، از هفتم مرداد ماه ۷۹ آغاز شد و مرداد سال ۸۰ به پایان رسید. او قربانیان خود را اغلب خفه می کرد و در چادری می پیچید.

راز جنایت های قاتل عنکبوتی همچنان مخفی بود، تا این که آخرین قربانی به نام مژگان، توانست از چنگ او فرار کند. زن جوان مدتی بعد در طرح ویژه پلیس دستگیر شد. او در زمان بازجویی به سوء قصد سعید حنایی نیز اشاره کرد و همین سرخ کافی بود تا یکی از مخوف ترین قاتلان سریالی اوایل مرداد سال ۸۰ به دام پلیس بیفتد.

براساس «شواهد موجود، اقرار صریح، روشن و مکرر متهم، بازسازی صحنه های قتل توسط وی و انطباق با شواهد موجود، کشف اجساد مقتولان و اظهارات آخرین قربانی، اتهامات سعید حنایی علاوه بر قتل، «سرقت، جعل کارت بسیج و جعل کارت امر به معروف و نهی از منکر و ارتکاب ۱۳ مورد زانی محصنه» عنوان شد و دادگاه حکم اعدام را برای او صادر کرد. بامداد ۲۸ فروردین ۸۱، حکم اعدام سعید حنایی در محوطه زندان مرکزی مشهد اجرا شد. به گفته برخی، روز اجرای حکم، سعید حنایی در حالی که مأمور اجرای حکم طناب دار را برگردان او می انداخت، رو به غلامرضا منصوری، قاضی پرونده اش کرد و فریاد کشید: «قرار ما این نبود.»

حکم اعدام توسط قاضی جنجالی

قاضی غلامرضا منصوری پس از برگزاری دادگاه پرونده طبری، فرارش به خارج از کشور و معمای مرگ رازآلود او در هتلی در بخارست شناخته شد و نام او بر سر زبان ها افتاد. این در حالی است که قاضی منصوری، پیش از این قضا یا، سعید حنایی را در سال ۸۰ محاکمه و حکم اعدام او را صادر کرده بود.



مصاحبه قدیمی همسر سعید حنایی به جامعه بدبین بود

روزنامه می خرد. وقتی به او گفتم چرا به خریدن يك روزنامه اكتفا نمی کنی، گفت بعضی چیزها در هر روزنامه نوشته می شود که دیگر روزنامه ها نمی نویسند.

وقتی با هم بیرون می رفتید نسبت به زنان خیابانی حساسیتی نشان نمی داد؟

چرا، يك بار وقتی زنی سوار خودرویی شد، به دنبال آنها دويد که من فریاد کشیدم تا او را رها کند. وقتی از این کار منصرف شد به من گفت اگر تن نبودی، خودرو را نگه می داشتم و زن را پیاده می کردم.

در رابطه با قتل ها، حرفی در خانه تان زده نمی شد؟

چرا، من چندین بار به سعید گفتم خیلی دوست دارم قاتل زنان خیابانی را بعد از دستگیری ببینم. می گفت بعضی ها گفته اند آهن فروش های صدمتری و جعبه فروش ها دست به این قتل ها می زنند. بعضی ها هم گفتند کار گروه انصار است. سعید می گفت هر وقت در مورد قتل زنان خیابانی صحبتی می شود، مردم می گویند این کار خوب است.

چه احساسی نسبت به قتل هایی که همسرت مرتکب شده، داری؟

احساس من این است که او به خاطر بیماری اش دست به این کارها زده است، او خیلی دل رحم بود. حتی دست روی بچه هایش بلند نکرده بود.

بچه ها چه عکس العملی به خاطر دستگیری پدرشان داشتند؟

اولین شب که تلویزیون، تصویر سعید را در مشهد نشان داد، بچه ها بیغ و فریاد می کردند. خیلی ناراحت بودند. کارشان گریه شده است.

همسر سعید در پایان گفت وگو آهی کشید و گفت: «هنوز باورم نمی شود همسر مهربانم دست به این قتل ها زده باشد.»

پس از دستگیری سعید حنایی، روزنامه ایران با همسر او گفت وگویی انجام دادند که آن را مرور می کنیم.

چند سال است با سعید ازدواج کرده ای؟

اوایل سال ۶۲، از طریق برادرشوهرم با سعید آشنا شدم و پس از خواستگاری رسمی به عقد هم درآمدیم.

آیا مشکل خاصی با همسرت داشتی؟

اصلا، او مرد مهربانی بود. هیچ وقت از نظر رفتاری با سعید مشکلی نداشتم.

سعید علت این کارهایش را مزاحمت يك راننده مسافرکش به شما دانسته، ماجرا چه بود؟

حدود دو سال پیش بود. از خانه خارج شدم و به مدرسه پسرم رفتم. وقتی کارم در مدرسه تمام شد، پسرم رفته بود و من تنها سوار يك دستگاه خودروی پیکان قهوه ای رنگ شدم. بعد راننده با کمال گستاخی شروع به صحبت با من کرد. حوالی میدان بار، من خواستم پیاده شوم که راننده گفت: آدرس خانه ات را بده تا تورا جلوی خانه ات پیاده کنم. وقتی با اصرارهای من، خودرو را متوقف کرد، راننده حرف های ناچوری زد. با عصبانیت در را باز کردم و یک صدتومانی داخل خودرو پرت کردم.

همسرت از کجا فهمید؟

نمی خواستم برای سعید تعریف کنم. می دانستم او حساس است.

به چه موضوع هایی حساس بود؟ از ابتدای زندگی، به جامعه بدبین بود. غیرتی خشک نبود. می گفت هرجا می روی، برو، اما جایی باشد که به صاحبش اطمینان داشته باشی. اعتقاد نداشتم که نیایستی زن بیرون بروی. فقط می گفتم، مراقب باش. بعد از عید امسال (سال ۸۰) بود که متوجه شدم، هر روز تعداد زیادی

تصادف بدون گواهینامه قتل عمد نیست

مجازات رانندگی بدون گواهینامه، یکی از مواردی است که برخی شهروندان در مورد آن اشتباه فکر و تصور می کنند مجازات آن قصاص است. وقتی از آنها دلیل این مجازات پرسیده می شود، می گویند تصادف بدون گواهینامه، قتل عمد است و طبق قانون، قاتل باید قصاص شود. همین تصور اشتباه باعث شده، تعدادی از رانندگان مقصر برای نجات از چوبه دار از صحنه تصادف فرار کنند. بر اساس ماده ۷۲۳ قانون تعزیرات اسلامی، هرکس بدون گواهینامه رسمی، به رانندگی یا هدایت وسایل نقلیه موتوری که مستلزم داشتن گواهینامه مخصوص است، اقدام کند و نیز شخصی که به موجب حکم دادگاه، از رانندگی وسایل نقلیه موتوری ممنوع است، اگر به رانندگی این

محمد غمخوار

کارشناس ارشد حقوق

یک تصور اشتباه دیگر این است که برخی فکر می کنند در تصادفات خسارتی هم نداشتن گواهینامه باعث مقصر شناخته شدن راننده می شود. باید توجه داشت اگر در تصادفی، فردی مقصر تصادف نبود، نمی توان به خاطر نداشتن گواهینامه او را مقصر معرفی کرد. راننده بدون پروانه یا همان گواهینامه، مجازات جداگانه دارد و هیچ تاثیری در شناسایی مقصر تصادف ندارد. آنچه در تعیین مقصر حادثه اثرگذار است وجود رابطه بین وقوع حادثه و خطای راننده است که این رابطه باید مستقیم باشد، یعنی اگر آن علت وجود نمی داشت، حادثه هم به وجود نمی آمد. مقصر حادثه را طبق قوانین راهنمایی و رانندگی، را کارشناسان تعیین می کنند. حال اگر طبق قوانین مقصر نبودیم و علت وقوع جرم، طرف مقابل بود، تنها جرم ما رانندگی بدون گواهینامه است.

وسایل مبادرت کند، عمل وی مستوجب مجازات خواهد بود. این فرد برای اولین بار، به حبس تعزیری تا دو ماه یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم می شود و اگر این عمل را تکرار کند، به دو تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد. همچنین بر اساس ماده ۱۰ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، در صورتی که راننده بدون داشتن گواهینامه رانندگی کند، وسیله نقلیه او متوقف و راننده به مرجع قضایی معرفی می شود. مجازات جرم رانندگی بدون گواهینامه بر اساس بند یک ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت، به جزای نقدی تبدیل خواهد شد. پس نیازی نیست در صورت تصادف بدون گواهینامه از مجازات قصاص بترسید و از صحنه فرار کنید. به جای فرار، به مصدوم حادثه کمک کنید؛ زیرا جدا از وظیفه انسانی، کمک به مصدوم می تواند در کاهش مجازات هم موثر باشد.